



### احیای ۴۰ سینما در ۲ سال

سیدمصطفی حسینی، مدیرعامل موسسه بهمن سبز درباره برخی حواشی درباره تخریب دو سینمای قدیمی شهر مشهد به مهر گفت؛ موسسه بهمن سبز به‌عنوان بازوی سینماداری حوزه هنری از حدود دو سال گذشته با اجرای «طرح بازسازی و توسعه سینماها» اتفاقا در مسیر حفظ و احیای سینماهای ماندگار در کشور قدم برداشته و تا امروز ۴۰ سینمای خاطره‌انگیز و قدیمی در کشور را با بازسازی و توسعه کامل به چرخه اکران بازگردانده است.

#### تاراج (ایرج قادری / ۱۳۶۴)

**بازیگر:**فرهاد ملک

**نقش:** صبری

**گوینده:** ظفر گرابی

**چهره‌پرداز:** محمدرضا قومی



تاراج را بازی می‌کرد و به‌ویژه در سکانس پایانی با بازیگر نقش صبری همبازی بود. توکلی در گفت‌وگو با جام جم، اسم بازیگر نقش صبری را فرهاد ملک عنوان کرد؛ جوانی که ایرج قادری يك روز به شکل اتفاقی او را در آسانسور مجتمع ایران سکنای می‌بیند و برای بازی در نقش صبری انتخاب می‌کند. ملک بعد از بازی در این فیلم برای زندگی به خارج از کشور می‌رود.

توکلی همچنین برای اولین بار به موضوعی اشاره می‌کند که جالب توجه است؛ «همان سال‌ها و بعد از موفقیت تاراج، قرار بود قسمت دوم این فیلم را هم بسازند و حتی آقای سعید مطلبی، فیلمنامه‌اش را هم نوشته‌بود. قصه درباره مزدورانی بود که دنبال خبرنگاری می‌آمدند تا حلقه فیلم‌ها را از او بگیرند اما با بی‌مهری ارشاد و ممنوع‌الکاری آقای قادری این اتفاق نیفتاد.»

نکته مهم این‌که شخصیت صبری و بازی نه‌چندان ویژه‌اش چندان برای تماشاگر مهم نبود، چون «تاراج» را بیشتر از هر چیز با شخصیت زینال بندری و بازی جمشید آریا (هاشم پور) به یاد داریم؛ يك قاچاقچی مواد مخدر که متحول می‌شود و برای دستگیری قاچاقچیان به کمک ستوان احمد (بهزاد جوانبخش) می‌آید، به‌ویژه وقتی متوجه می‌شود پسر جوانش صبری هم گرفتار هروئین شده‌است. یکی از صحنه‌های مشهور فیلم آنجایی است که احمد، بسته هروئین را سمت زینال می‌گیرد و می‌گوید: «ظاهرا تو بهتر از هر کسی باید اینو بشناسی؛ هروئینه. دیوی که ساختی، اول خودتو پاره پاره کرد.»

تاراج باوجود نقدهای منفی منتقدان، در اکران سال ۶۴ بسیار موفق عمل کرد و بیش‌تر از هفت میلیون و ۴۰۰ هزارتومان در گیشه فروخت و همچنان از آن به‌عنوان یکی از فیلم‌های مشهور و محبوب دهه ۶۰ یاد می‌کنند. ضمن این‌که شمایل هاشم‌پور در این فیلم بعدها در فیلم‌های دیگری با موضوع قاچاق و مواد مخدر مورد استفاده قرار گرفت که بسیار هم در گیشه جواب داد.

#### تیغ و ابریشم (مسعود کیمیایی / ۱۳۶۵)

**بازیگر:** فریما فرجامی

**نقش:** سوسن مکاشی

**گوینده:** زهره شکوفنده

**چهره‌پردازان:** عبدا... اسکندری و سعید جلالی

کیمیایی از جمله کارگردان‌هایی است که به سبک خودش در چند فیلم، به خانمانسوزی و ویرانگری اعتیاد و مواد مخدر توجه نشان داده‌است. بعد از قله سیدرسول در گوزن‌ها، تکرار موفقیت نقش معتاد به

چالشی اساسی برای همه بازیگران تبدیل شد اما کیمیایی این هنر را داشت که بازطوری بنویسد و کارگردانی کند که بازیگران دیگر هم در این نقش دست‌کم به حوالی قله نزدیک شوند، یکی همین نقش سوسن در تیغ و ابریشم. فرجامی با درک صحیح نقش، حال و روز دختر تحصیل‌کرده و آینده‌داری که خام قاچاقچی‌ها شده و خودش هم گرفتار اعتیاد و بعد هم قانون شده را به‌خوبی به تماشاگر منتقل می‌کند. بی‌هویتی و استیصال سوسن اتفاقا از طریق يك دیالوگ نقل قولی از سوی نامزدش (محمد صالح‌علاء) و خطاب به بازجو (فرامرز صدیقی) گفته می‌شود؛ «گفت: این دنیا کجاش می‌ارزه که آدم توش نشئه نباشه!»

#### بی‌پناه (علیرضا داوودنژاد / ۱۳۶۵)

**بازیگر:** مصطفی طاری

**نقش:** احمد

**گوینده:** جلال مقامی

**چهره‌پرداز:**رضا رادمشن

در این ملودرام دهه شصتی که موسیقی محمدرضا علیقلی هم به‌سوز و گداز آن دامن می‌زند، مصطفی طاری بازی تیپیکالی در نقش يك معتاد دارد و جزو تاپ‌ها و بهترین‌های سینما در این زمینه نیست، هرچند بازی و گریم او به اندازه پینشیر قصه کار را راه می‌اندازد و دست‌کم

آزاردهنده نیست. فیلم، در ساخت خودش صحنه‌های تاثیرگذار هم دارد، مثل آنجا که احمد در حضور پسر کم‌سن‌وسال‌ش (رضا داوودنژاد) مواد مصرف می‌کند. نکته جالب این‌که نقش همسر سابق احمد را که زندگی او و پسرش بر اثر اعتیاد مرد خانواده متلاشی شده را فریما فرجامی بازی می‌کند که پیش‌تر در تیغ و ابریشم، شخصا قربانی اعتیاد بود. طاری هم سال‌ها بعد در سریال «سفر سبز» (ابراهیم حاتمی‌کیا) نقش معتاد ملموس‌تر و جذاب‌تری را بازی کرد؛ غلام.

#### طعمه (فرامرز صدیقی / ۱۳۷۱)

**بازیگر:** هادی اسلامی

**نقش:** حسین پیردوست

**چهره‌پرداز:** عبدا... اسکندری

مثل این‌که آن نقش بازیجوی سوسن مکاشی در تیغ و ابریشم خیلی روی فرامرز صدیقی تأثیر گذاشت که او سال‌ها خودش به‌عنوان کارگردان، فیلمی با موضوع مواد مخدر ساخت. او در «طعمه» دست روی مساله همی گذاشت، این‌که باند‌های قاچاق مواد مخدر، گاهی برای مقاصد و پیشبرد اهداف‌شان آدم‌های شریف و ساده و به لحاظ مالی نیازمند را طعمه و وسیله قرار می‌دهند.

مثل همین نقش پیردوست که معلمی بازنشسته و بیکار است. با این‌که این بهترین نقش اسلامی نیست، اما این بازیگر فقید که نقش بد در کارنامه نداشت، يك معتاد محتاط و آبرومند گرفتار شده را طبیعی و بدون نشانه‌های اغراق‌شده اعتیاد بازی می‌کند. همین ویژگی ممکن است او را وارد فهرست بازی‌های جذاب و هیجان‌انگیزتر نکند.

#### عشق طاهر (محمدعلی نجفی / ۱۳۷۹)

**بازیگر:** سعید پورصمیمی

**نقش:** فرتی (مهندس مینایی سابق)

**چهره‌پرداز:** عبدا... اسکندری

سعید پورصمیمی در سکانس صیافت طاهر چنان دلبرانه معرکه می‌گیرد و نقش معتاد را با سرخوشانگی بازی می‌کند که زبانه لا، آدم‌کمی دلش اعتیاد می‌خواهد! البته صرفا اعتیادی در این حال و هوا و از جنبه تسلط و توانایی در بازیگری، وگرنه پورصمیمی حواسش هست که هزمان با کرشمه‌ها و بازی با دود و سیگار و نشنگی، خاکسترشدن يك زندگی بر اثر اعتیاد به مواد مخدر را هنرمندانه روایت کند.



#### آفت زندگی یا مرفین (محمدعلی جعفری / ۱۳۳۹)

**بازیگر:** محمدعلی جعفری

**نقش:** حمید

**چهره‌پرداز:** برومند

محمدعلی جعفری از بازیگران مطرح تئاتر بود و پیش‌تر در فیلم «مرجان» به کارگردانی شهلا ریاحی، نخستین نقش مهم سینمایی خود را تجربه کرده‌بود اما کارگردانی و بازی در آفت زندگی با مرفین، شهرت او را بیشتر کرد. جعفری پیش‌تر نمایش این فیلم را در تئاتر جامعه باربد روی صحنه

برده‌بود. او در آفت زندگی با مرفین نقش آهنگساز موفقی را بازی می‌کند که درگیر اعتیاد می‌شود اما در پایان با تلاش همسر (شهلا ریاحی) و فرزندش نجات پیدا می‌کند. بازی جعفری به‌ویژه آن دست کشیدن مدام به دهانش، شاید امروز اغراق‌آمیز به نظر برسد ولی ظاهرا در آن زمان ایرادی به لحاظ بازیگری نداشت که مقبول افتاد (فیلم در سال ۳۹، ۳۰۰ هزار تومان فروخت) و اگر جشنواره و رویدادی بود، احتمالا جایزه‌ای هم می‌گرفت ولی با نگاه امروزی و دیدن معتادهای کارگشته‌تر و دقیق‌تر، دیگر نمی‌توان با این جنس بازی همراهی کرد. حسن حسینی در کتاب «راهنمای فیلم سینمای ایران» ضمن این‌که به حمایت وزارت بهداشت وقت از تولید فیلم اشاره می‌کند، درباره شباهت‌های فیلم و نمایش به نمایشنامه «اندکی باران» و فیلمی به همین نام از فرد زینه‌مان (که در ایران با نام بلای خانمانسوز به نمایش درآمد) می‌نویسد. حسینی همچنین اشاراتی هم به زمان اجرای نمایش مرفین و اکران فیلم آفت زندگی با مرفین دارد که به ترتیب مدتی بعد از درگذشت هنرمندانی چون داریوش رفیعی (خواننده) و اصغر تفکری (بازیگر) اتفاق افتاد که بر اثر افراط در مصرف مواد مخدر از دنیا رفته‌بودند.



#### گوزن‌ها (مسعود کیمیایی / ۱۳۵۳)

**بازیگر:** بهروز وثوقی

**نقش:** سیدرسول

**چهره‌پرداز:** عبدا... اسکندری

یکی از مهم‌ترین نقش‌های تاریخ سینمای ایران و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و منتقدان، مشهورترین و محبوب‌ترین نقش معتاد، به‌جز

هنر خود بازیگر و درک صحیح نقش و روش‌های منحصربه‌فردی که برای نزدیک شدن به نقش يك معتاد هروئینی به کار گرفت، مجموعه‌ای از دلایل، موفقیت و محبوبیت این نقش را رقم زد. از فیلمنامه، شخصیت‌پردازی و دیالوگ‌های تاثیرگذار کیمیایی و گریم سنگین و تماشایی اسکندری تا حضور فرامرز قریبیان به‌عنوان همبازی در نقش قدرت، وثوقی برای بازی در این فیلم، جایزه‌بهترین بازیگر مرد (روز زرین بز بالدار) را در سومین جشنواره جهانی فیلم تهران در سال ۵۳ دریافت کرد. او یک سال بعد در فیلم «گندو» به کارگردانی فریدون گله، شکل دیگری از معتاد و آدم به ته خط رسیده را در نقش ایی تجربه می‌کند. البته شاید جلوه بارزتر معتاد در کدندو، شخصیتی به‌نام عبدا... با بازی حسین شهاب‌منش باشد که در قهوه‌خانه و جلوی چشمان ابی‌جان می‌دهد، بعد در فلاش‌بکی می‌بینیم که عبدا... درگذشته کشتی‌گیر قابلی بود و ابی را در یک مسابقه خاک کرد اما حالا مدت‌هاست هردو در خاک اعتیاد و فلاکت و بی‌خانمانی هستند.



#### پشت و خنجر (ایرج قادری / ۱۳۵۶)

**بازیگر:** ایرج قادری

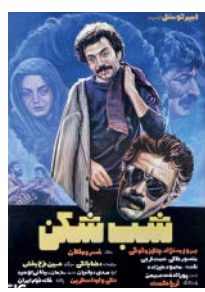
**نقش:** غلام

**گوینده:** چنگیز جیلوند

**چهره‌پرداز:** اکبر نمینی

فیلمی که همه شاخصه‌های فیلمفارسی را در خود داشت و با آن ابزار و مصالح و عناصر، سراغ روایتی پرسوزوگداز از اعتیاد رفت. فیلمنامه

سعید مطلبی و کارگردانی قادری و حضور بازیگرانی چون فروزان و پوری بنایی و قصه‌ای که موضوعش اعتیاد مردی به نام غلام و بعد هم بازگشت او به یک زندگی سالم باشد، باید هم خوشایند تماشاگران فیلمفارسی قرار می‌گرفت. این فیلم در اکران سال ۵۶، بیش‌تر از یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان در گیشه فروخت. آن اینسرت (نمای درشت) چشم‌های قادری در لحظه‌ای که برای اولین بار و افور را تقدیم او می‌کنند تا شخصیت غلام را به خاک سیاه بکشانند، از لحظه‌های قابل اشاره و فیلمفارسی‌وار فیلم است. بازی قادری، تیپیکال و اغراق‌شده‌است و با سلیقه تماشاگران عام آن زمان، همخوانی دارد اما امروز قطعا جایی در میان فهرست بهترین معتادان سینمای ایران ندارد.



#### شب‌شکن (خسرو ملکان / ۱۳۶۴)

**بازیگر:** بهروز به‌نژاد

**نقش:** مژغی

**گوینده:** سعید مظفری

**چهره‌پرداز:** عبدا... اسکندری

بهروز به‌نژاد که این آخرین فیلم سینمایی او در ایران بود، نقش معتاد شب‌شکن را خوب از آب و گل درآورد. نحوه سیگار کشیدن، طرز راه رفتن و خماری کاکتراکر، انگ نقش است اما شاید ایراد اصلی از فیلمنامه و موقعیت‌های قصه باشد. اگر این تلاش به‌نژاد در قالب شخصیت‌پردازی و فیلم بهتری بود، ماندگارتر می‌شد. ثریا حکمت هم در فیلم نقش يك زن توزیع‌کننده مواد مخدر را بازی می‌کند که به ته خط رسیده‌است. اوست که تلنگر اصلی را به مژغی می‌زند؛ «اگه از غیرت میرت چیزی واست موند، برگرد سر خونه زندگیّت.»

### برگزاری فیزیکی نمایشگاه کتاب منتفی است

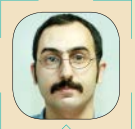
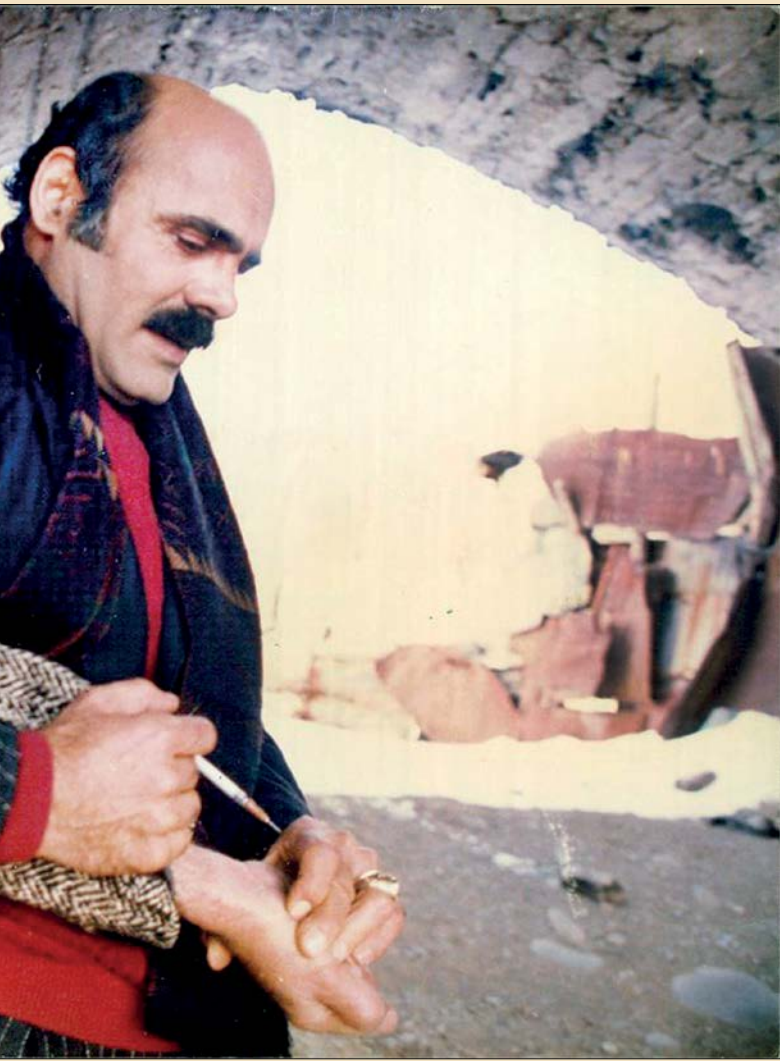
علیرضا اسماعیلی، مشاور اجرایی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان درباره احتمال برگزاری نمایشگاه کتاب تهران به‌صورت فیزیکی و حقیقی گفت؛ این خبر واقعیت ندارد و در شرایطی نیستیم که نمایشگاه به‌صورت فیزیکی برپا شود. در این باره ستاد ملی مقابله با کرونا باید تصمیم‌گیری کند و از حیثه اختیار ما خارج است.



# سودای سر

### مروری بر همه معتادانی که در فیلم‌ها

### وبعضا جایزه‌های م



علی رستگار

سینما

⚠️ لطفاً بروید کنار تا بخوری نشوید! خدای ناکرده در این دود و دم و مه هپروتی، کسی

سرنگی به‌شما نزند، شرمنده شویم! البته از آنجا که پای سینما در میان است، می‌توان از نگرانی‌ها کم کرد و چندان هم ماجرا و توصیه‌های ما را جدی نگرفت، چون خوشبختانه اینجا همه چیز سروشکلی نمایشی دارد و با نمونه‌های ساختگی سرنگ، تزئیق و مواد مخدر مختلف سنتی و صنعتی و جماعت چرتی و سروکار داریم که حاصل هنر و زحمات گروه طراحی صحنه و چهره‌پردازی و چه‌بسا جلوه‌های ویژه‌میدانی یا رایانه‌ای است.

هرقدر دنیای مواد مخدر و اعتیاد تلخ و سیاه و خانمانسوز و ویرانگر است، برگردان نمایشی و سینمایی آن به چالش دلچسبی می‌ماند و گروه‌های فیلمسازی همه سعی خود را می‌کنند از این هشدار، سربلند بیرون بیایند و فیلمی دقیق، درست و اثرگذار بسازند. به‌جز بحث فیلمنامه، کارگردانی، فضاسازی و باقی شاخه‌های فنی فیلم که در خدمت القا و باورپذیری قصه مرتبط با اعتیاد قرار دارند، اصلی‌ترین و خطرترین بخش ماجرا مربوط به بازیگری می‌شود، چون این بازیگر نقش معتاد است که در ویتترین و در خط مقدم فیلم و قصه قرار می‌گیرد و می‌تواند تلاش‌های یک گروه را به‌ثمر نرساند یا به‌یاد دهد. مخاطبان معمولاً به هیچ‌بخش دیگری از فیلم و عوامل آن کاری ندارند و با دیدن اوست که درباره اثر قضاوت می‌کنند. اگر بازیگر به‌پشتوانه عوامل و عناصر مختلف، توانست همان تصویر موردنظر مخاطب از معتاد را ارائه کند، هم خودش و هم فیلم را در دل و ذهن تماشاگران حک می‌کند و موفقیت و محبوبیت اثر را رقم می‌زند.

به‌دلیل شیوع اعتیاد در جامعه و مواجهه مدام مردم با انواع اعتیاد و طیف مختلفی از معتادان، کار سینما و بازیگران همیشه در این ارتباط سخت‌است و آنها هرگز نمی‌توانند و نباید بدون تحقیق و پژوهش درست و دقیق و کامل، سراغ این مقوله بروند.

بازیگرانی که برای ایفای نقش معتاد انتخاب می‌شوند، معمولاً به تحقیقات و پژوهش‌های گروه فیلمسازی و فیلمنامه و صحبت‌های کارگردان اتکاف‌نمی‌کنند (گرچه همین‌ها هم کدها و کمک‌های مؤثری برای بازی هستند) و خودشان هم با مشاهده نمونه‌های واقعی و صحبت با آنها و روش‌های دیگر مطالعاتی که باعث

## حال و روز چند

**آرایش غلیظ:** حامد بهداد در این فیلم معتاد متفاوت و سرحال و دیوانه‌ای را بازی می‌کند که هراز گاهی با دکتر (جمال اجلالی) به قله پرتغالی‌ها می‌رود، یعنی مواد مصرف می‌کند. بهداد برای این فیلم نامزد سیمرغ جشنواره فجر شد.

**عصر یخبندان:** یک مادر اگر معتاد شود چه به روز خانواده می‌آید؟ پاسخ، بازی خوب مهتاب کرامتی در این فیلم است. بی‌پناهی او را در آن سکانسی که ترانه سکوت محسن یگانه پخش می‌شود، به بهترین شکل می‌بینید. کرامتی برای این نقش نامزد دریافت سیمرغ نقش مکمل زن از جشنواره فیلم فجر شد.

**قصه پریا:** مصطفی زمانی تا این جا چند بازی خوب در کارنامه دارد، از جمله در کیفرو گرگدن و ملکه اما از ما نخواهید که بازی‌اش به نقش معتاد قصه پریا (سیاوش مسرور) را جزو آنها بدانیم.

**خون شد:** خب، اینقدر از مسعود کیمیایی تعریف کردیم که معتادهای درخشانی چون سید در گوزن‌ها خلق کرده تا این‌که بالاخره سروکله معتاد نجسبی به نام فاطمه با بازی لیلا زار در «خون شد» هم پیدا شد. از سکانس ترک اعتیادش توسط سیامک انصاری که دیگر نگوییم برایتان.

**به‌خاطر پونه:** این فیلم هاتف علیمردانی هم به‌رغم همه اهداف خوب در ساخت و از جمله بازی فرهاد اصلانی در نقش یک معتاد شکاک به همسر، ویژگی بارزی به لحاظ سینمایی ندارد.

**تسویه حساب:** ما چه بگوییم وقتی خود بهاره افشاری در مصاحبه‌ای اعتراف کرده‌بود که سیگاری نبود و سیگارکشیدن ناشیانه‌اش در فیلم و به نقش دختری